

نوروز امسال و عید بندگی من

۱- حلما پیوسته هستم.
۲- به کاری که باید انجام بدهیم تکلیف می گویند، مانند نماز خواندن، روزه گرفتن و احترام به پدر و مادر.
تکلیف معلّم دو حالت دارد. گاهی برای این است که درس را بیشتر یاد بگیریم یا اینکه بدانند چقدر تلاش و پشتکار داریم. حالا خدای مهربان هم برای اینکه ما رشد کنیم و چیزهای خوبی یاد بگیریم، به ما تکلیف هایی داده است.

۳- من می دانم مثلاً به کلاس چهارم که بروم، باید درس های بیشتری بخوانم و هر قدر پایه ی بالاتری بروم کارهای مدرسه ام بیشتر می شود. برای رفتن به دانشگاه هم باید خیلی خوب تلاش کنم، مثل داداشم. پس حتماً هر چه بزرگتر بشوم، مسئولیّت در برابر خدا بیشتر می شود.

۴- وقت افطار روز پنجشنبه ی اوّل رجب، حسّ قدرت داشتم. خیلی برایم سخت بود از آب که همیشه یک بطری همراهم بود و از پلویی که دوست داشتم چشم پوشی کنم اما وقتی موقع اذان مغرب، پای سفره ی افطار نشستم، پر از حسّ محکمی بودم. شیرینی و آجیل را همیشه می توانم بخورم اما لذّت پیروزی برخواسته های خوردنی ام به من حسّ غرور می دهد.

جایزه ی اوّلین روزه ام را از مامان و بابا گرفتم و کلی خوش حال شدم. تازه، همه به من می گفتند: «التماس دعا!»
۵- برای افطار یا بعد از افطار می شود به دیدن فامیل برویم. ثواب افطاری خیلی زیاد است. البته ما معمولاً تا سحر بیداریم.

۶- نه زیاد سخت نیست. بابای های کم تحرک خودم را سرگرم می کنم تا زمان را متوجّه نشوم. ۷- بله، گرفته ام زیرا خواهر و برادر بزرگتر دارم. سال های پیش، همیشه کنار خانواده سحری می خوردم و سعی می کردم تا جایی که

من برای عهد بستن با امام زمان [عج]، ماه مرداد به جمکران رفتم و آنجا با خدا قرار گذاشتم کمکم کند تا با بقیّه مهربان باشم و حجابم را رعایت کنم.
۳- احساس خیلی خوبی دارم و خوشحالم که اوّلین روز روزه گرفتن و عید بندگی ام با نوروز ۱۴۰۲ همراه است.
مامان گفته است

